

مهدویت و موعودگرایی

جلسه سوم

موضوع: فرآیند شناسی و مبنا شناسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد و اهدنا لما اختلف من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

سوال این است چگونه کسی می تواند موفق شود که خانه مشترک بشریت را تاسیس کند؟

آیا یک معجزه است؟ یک کرامت است؟ یا یک پدیده غیر عادی است؟ یا ما با یک عقل حسابگر می توانیم به این پدیده برسیم؟ من مخالف نیستم کسی تشکیل چنین خانه مشترک بشریت را به حساب کرامت امام زمان علیه السلام بگذارد و بگوید که این پدیده ای است که کل فرایند آن را خداوند متعال دنبال می کند و از سر اتفاق ، معجزه گونه و کرامت گونه رخ می نماید. ما اصلی در قرآن داریم که بنده تعبیر می کنم به «آیت الله انگاری عالم» ؛ نزدیک به 200 آیه ما در قرآن داریم که وقتی روی بسیاری از پدیده ها دست می گذارد ، می گوید: «ذلک من آیات الله» و امثال آن؛

خلق زن و مرد کنار هم؛

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

آمدن شب و رفتن روز یا بالعکس

بهار می آید و طبیعت زنده می شود یا خلقت انسان ... این ها همه مصادیق آیات الهی هستند که خداوند بارها در قرآن به آن ها اشاره کرده است.

و لذا در منطق قرآن بهتر است به جای آن که گفته شود «عالم طبیعت» ، گفته شود «عالم خلقت» ...

عالم طبیعت حیث اعتقادی ندارد؛ اما عالم خلقت چنین حیثی دارد؛ کسی که معتقد است عالم مخلوق و نشانه خدا است، می گوید عالم خلقت از خداست و آن را به نوعی آیت الهی میدانند. و همه چیز را من الله و نشانه خدا میدانند؛ امام زمان علیه السلام وقتی می آید نگاه ها را به طبیعت مهربان می کند؛ و لذا این جا است که ما به یک مقوله دیگری برخورد می کنیم به نام «حق هستی» ...

زیربناهای رفتاری تاسیس خانه مشترک بشری

ما اصلی در نصوص دینی داریم به نام «حق هستی» ...

عالم وقتی آیت الله شد یک اصلی بر آن حاکم میشود به نام «حق هستی»

انسان دیگر نمی تواند با طبیعت هر گونه خواست رفتار کند؛ «عدالت بین نسلی»، و «حق محیط زیست» یا «حق آب و خاک» در واقع ترجمانی از همان مبحث است که در واقع ما در نصوص خود داشته و داریم.

اصلا نگاه به طبیعت عوض می شود و فی الواقع امام زمان علیه السلام این کار را انجام میدهند.

این که گفته شده: وقتی امام زمان بیاید دست بر سر انسان ها می گذارد، منظور این است که حضرت با جهت و گرایش که برای افراد ترسیم و تنظیم می کنند، عقول انسان ها را کامل می کنند.

به هر حال فعالیت هایی زیربنای تاسیس این خانه مشترک بشری است از جمله تغییر رویه رفتاری انسان هاست هم نسبت به یکدیگر و هم نسبت به طبیعت و این ها همه در سایه سار حکومت مهدوی است که محقق می شود.

و نکته دیگر اینکه جریان نظامی گری و میلیتاریزم از بین میرود؛ این امر هم یک مبنای دیگر تاسیس خانه مشترک بشریت است.

و امر دیگر، برقراری عدالت است که وجه و بعد دیگر تاسیس خانه مشترک بشریت است.

ما عدالت را تا برقرار نکنیم؛ به نتیجه نمی رسیم و این مقوله ای است که انسانها باید خودشان برای برپایی آن اقدام کنند؛
لِيقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ

نه لِقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ؛ عدالت انسان ها را مطیع می کند؛ بسیاری از انسان ها در برابر عدالت کوتاه می آیند.

یک متنی جناب شهید ثانی دارد که در واقع تجسم آن، حکومت زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ایشان می گوید که قاضی وقتی می خواهد بین دو نفر قضاوت کند، واجب است که تقسیم کند عدالت را... در گوش دادن بین دو متخاصم..... باید در صحبت به یک شکل صحبت کند ولو یک طرف پرونده یک یهودی باشد و یا یک شهروند مستضعف باشد.. اگر سلام کردند به یک شکل جواب دهد؛... به یک اندازه به آن ها نگاه کند؛ اگر برای احترام از جای خود بلند می شود باید که برای هر دو نفر این کار را انجام دهد اگر سکوت میکند و یا انصاف میدهد به یک شکل برای هر دو باید انجام شود. واقعیت این است که اگر عدالت اجرا شود، خانه مشترک بشری خودبخود تاسیس می شود.

این جریان را نیاز نیست که ما با یک نگاه تبعیدی دنبال کنیم با یک نگاه خردمندانه و عقلایی هم میتوان موضوع را تحلیل کرد. شما تصور کنید اگر نگاه انسان ها به عالم هستی در واقع یک نگاه مهربانانه شود، و اگر در همه شئون عدالت را احساس کنند، اگر حضرت ارزشهای واقعی را حاکم کنند و جلوی ضد ارزشها گرفته شود؛ خانه مشترک بشریت از همین مبنا ایجاد خواهد شود؛ این خانه مشترک بشریت به این شکل است که در واقع برآیند چنین فرآیندی است. تمدن گفته می شود که ساختنی نیست؛ بلکه از فرآیند مشخصی تولید می شود و خانه مشترک بشریت معطوف به نگاه به تمدن هم به این شکل خواهد بود.

مصادیقی از ارزشها و ضد ارزشها است که امام مهدی علیه السلام آن ها را به جای خود برمیگرداند.

ما روی این نکته هم خوب است که بایستیم؛ ما در اسلام یک ارزش مطلق داریم و آن تقوا است و یک ارزش مشروط داریم، یعنی باید در راستای صلاح و سداد باشد که علم است؛ هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون ...

اما پول و نسب و یا مقام..... اینها ارزش نیست؛ ارزش تقوا و علم و.. است اگر واقعا یک حکومتی بتواند این را پیاده کند و بر آن چه ضد ارزش است مهر بطلان بزند؛ طبیعی است که خانه مشترک بشریت ساخته می شود. یک مطلبی را مرحوم صاحب عروه دارد؛ ایشان میگوید: آن که سوار است بر شخصی که پیاده است سلام کند. کسانی که سوار اسبند بر کسانی که سوار قاطرند سلام کنند و کسانی که سوار قاطرند بر کسانی که سوار الاغ اند سلام کنند ...

باید دید این چگونه برداشتی است؛ آیا اسلام صرفا یک تعبد انگاری را القا می کند یا موهوم زدایی میکند و ارزشهایی را که ارزش واقعی نیستند زیر سوال می برد؟

در واقع اسلام می خواهد بگوید برخورداری نباید یک ارزش باشد در جامعه ای که بر مبنای فوق تاسیس شود...

لذا امام رضا علیه السلام فرمودند کسی که به دونه رسید یکی فقیر و دیگری غنی؛ به هر دو سلام کند اما سلامش بر غنی فرق کند بر سلامی که بر فقیر کند، فرمودند این شخص، خدا را روز قیامت ملاقات می کند در حالی که خداوند از دست او ناراحت است.

ما از نظرفقهی نمی توانیم فتوا بدهیم که کار حرامی است اما از نظر معرفتی و کلامی این کار اشکال دارد؛ دقیقا زمان امام مهدی هم این گونه است که ارزش ها به جای خود برگردانده می شود و ضد ارزشها هم همان ضد ارزش انگاشته خواهد شد و جامعه در مسیر صلاح و سداد حرکت خواهد کرد.

این جریان به ما یک پیام میدهد و آن این که بدانیم چه چیزی باید ارزش باشد و چه چیزی نباید ارزش باشد؛ کاری که امام زمان انجام میدهند این است که ارزش های واقعی را نهاده می کنند و ارزشهای کاذب را باطل می کنند و به نظرم این یک مبنای مهمی است برای تاسیس خانه مشترک بشریت.

ما به این نکته اشاره کردیم که این خانه مشترک بشری به دست مبارک امام زمان علیه السلام ساخته میشود. منتها عرض کردم که آیا ما این را به حساب کرامت حضرت بگذاریم یا یک مبنای عقلایی و معرفتی به آن بدهیم؟

البته می توان راحت، جنبه معرفتی و عقلایی به آن داد و من به سه نکته اشاره کردم:
یکی: حضرت نگاه انسان ها را به هستی تغییر میدهد و از درون چنین نگاهی، صلح خواهد آمد بدون اینکه حضرت بخواهند
ظلمی را تحمل کنند و یا سوبسید دهند وقتی نگاه آیت الله انگاری عالم یا نگاه مهربان به هستی باشد چنین امری تحقق پیدا
میکند.

موضوع دوم: عدالت فراگیر به عنوان یک لباس سرتاسری است که به چنین نتایجی خواهد رسید و جالب این که در تمام دین
واره ها وقتی از موعود صحبت می شود از عنوان عدالت و تحقق آن هم صحبت می شود.
و نکته سوم: که باید بسیار مطمح نظر قرار گیرد این است که آن ارزشهایی باید حاکم شود، گاهی دیده نمی شود احیای ارزشها
است. و یک حرکت سلبی دارند و آن زدودن ضد ارزشها است ...
این ها مبانی تاسیس خانه مشترک بشریت است.

فایل pdf [کلیک کنید](#)